

در پرسش شماره ۳۰ در درس آیین دادرسی مدنی دو جواب صحیح وجود دارد. هر چند که هر دو گزینه یکسان هستند.

سؤال ۹۷ درس حقوق جزای عمومی و اختصاصی:

پاسخ به این سؤال در بین حقوقدانان محل اختلاف است.

در این مورد آقای دکتر حسین میرمحمد صادقی در کتاب جرایم علیه اموال و مالکیت صفحه ۶۲ تا ۱۶۴ چنین استدلال می کنند:

«در خصوص این سؤال که آیا جرایم علیه اموال (از جمله خیانت در امانت) در مال مشاع توسط احد از شرکا قابل ارتکاب می باشد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال دو موضع متضاد توسط حقوقدانان اتخاذ شده است به نظر برخی چون هر جزء از مال مشاع متعلق به کلیه شرکا می باشد آن را نمی توان نسبت به هر یک از شرکای به مفهوم واقعی کلمه مال غیر دانست نتیجه این نظر آن می شود که ارتکاب جرایم علیه اموال توسط یکی از شرکا در مال مشترک قابل تصور نباشد.

به موجب نظر مخالف تنها در صورتی می توان کسی را از ارتکاب جرایم علیه اموال مبرا دانست که وی مالک مال باشد و چون همه شرکا در تمامی اجزای مال مشاع شریک می باشند نمی توان آن را مال هر یک از شرکا دانست نتیجه این نظر آن می شود که رفتار مجرمانه هر یک از شرکا در مال مشاع جرم محسوب شده و حسب مورد موجب تحقق یکی از جرایم علیه اموال گردد.

با مقایسه دو استدلال فوق معلوم می شود که هر دو از قوت مساوی برخوردار می باشند و تنها زاویه های دید در آنها متفاوت است توضیح آنکه طرفداران نظر اول از دید شخص مرتکب به قضیه نگریسته و با توجه به شریک بودن وی در جزء جزء مال مشاع ارتکاب جرایم علیه اموال را از سوی او منتفی می دانند به عبارت دیگر از نظر آنان شرط تحقق این جرایم تعلق مال به غیر است نه صرف عدم تعلق آن به مرتکب و در اموال مشاع شرط تعلق مال به غیر در صورتی که مرتکب عمل خلاف یکی از شرکا باشد تحقق نمی پذیرد. از سوی دیگر طرفداران نظر دوم از دید قربانی یعنی شریک یا شرکای دیگر به موضوع نگریسته و با توجه به شریک بودن آنان در جزء جزء مال مشاع مرتکب را به ارتکاب جرم علیه اموال در مال مشاع محکوم می کند. به عبارتی دیگر طرفداران این نظر صرف عدم تعلق مال به مرتکب را موجب تحقق جرایم علیه اموال می دانند. لذا در انتخاب یکی از این دو نظر به عنوان نظر برتر با تردید مواجه می شویم هرگاه از دیدگاه انصاف و عدالت موضوع را مورد بررسی قرار دهیم نظر دوم را برتر می یابیم، چرا که در این جا یک نفر به ناحق حقوق سایرین (یعنی شرکای دیگر) را تضییع کرده است و بنابراین باید قابل مجازات باشد. از سوی دیگر اگر از دید صرفاً حقوقی به موضوع بنگریم باید نظر اول را (در کلیه جرایم علیه اموال بجز تخریب که در مورد آن رأی وحدت رویه وجود دارد) ترجیح دهیم، زیرا در حالت تردید بین دو نظر یا استدلال که از حیث قوت و ضعف مساوی می باشند باید قدر متیقن و نظر و استدلالی را پذیرفت که نتیجه آن بیشتر به نفع متهم تمام می شود و آن نظر اول است که از دایره شمول این گونه جرایم می کاهد.

بدیهی است نمی توان رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور را از جرم خاصی که این رأی در مورد آن صادر شده است (یعنی تخریب) به سایر جرایم تسری داد، زیرا آنچه که در رأی وحدت رویه برای دادگاهها لازم الاتباع می باشد نتیجه رأی است و نه استدلال به کار رفته شده در آن. بنابراین دادگاه نباید با استناد به این رأی ارتکاب سایر جرایم علیه اموال توسط یکی از شرکا را در مال مشاع ممکن بداند. مسلماً بهترین راه آن است که این تردید به وسیله نص قانون یا آنچه که در حکم آن است (مثل رأی وحدت رویه) برطرف شده و ارتکاب کلیه جرایم علیه اموال توسط احد شرکای در مال مشترک صراحتاً جرم اعلام گردد.» (کتاب جرایم علیه اموال و مالکیت صفحه ۶۲ تا ۱۶۴ دکتر میرمحمد صادقی، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۰)